

پرونده تخلف در آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال

● **ایسنا:** بهرام پارسیای، عضو هیئت‌رئیس‌ه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، از پرونده مفتوحه تخلف هزار میلیاردتومانی در واگذاری آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال در این کمیسیون خبر داد که به گفته او موجب شده ۵۰ تا ۶۰ درصد بازار آلومینیوم کشور دست یک خانواده بیفتد. این تخلف با وجود شبهاتی که قبلا در واگذاری‌ها وجود داشته، دغدغه‌ها را افزایش می‌دهد که ممکن است بقیه واگذاری‌ها نیز دچار چنین تخلفاتی باشند؛ بنابراین ما از طریق کمیسیون اصل ۹۰ با دیوان محاسبات و سازمان بازرسی مکاتبه کردیم که پرونده‌های مفتوحه در این زمینه به اطلاع ما برسد و آنها را بررسی کنیم. او افزود: براساس شکایتی که از سوی آقای مرادی، نماینده استان هرمزگان، به کمیسیون اصل ۹۰ درباره واگذاری شرکت آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال انجام شده که سازمان بازرسی نیز پیگیر آن بود، پیش از انجام پروسه واگذاری این سازمان کتبا به وزارت اقتصاد اعلام می‌کند که واگذاری دارای تخلفاتی است و جلوی آن گرفته شود؛ اما سازمان خصوصی‌سازی با وجود این مکاتبه حدود ۱۲ روز بعد واگذاری را انجام می‌دهد و اقدام به بازگشایی پاکت‌های مزایده می‌کند؛ درحالی‌که تنها شرکتی که در مزایده شرکت کرده بود، فروآلباژ گنو بود. پارسیای گفت: بعد از واگذاری مجددا سازمان بازرسی به این موضوع ورود و آن را پیگیری کرد و دلایل مستند و متقنی درباره تخلف در واگذاری و فساد در آن مشخص شد. او یادآور شد: سازمان خصوصی‌سازی بدون توجه به تذکر سازمان بازرسی با یک متقاضی این مزایده را برگزار کرد؛ درحالی‌که چند صد میلیارد تومان تفاوت ارزش‌گذاری در این مزایده وجود داشت؛ ضمن اینکه پیش‌پرداخت‌ها و مطالبات شرکت در این ارزش‌گذاری لحاظ نشده بود. پارسیای گفت: یکی از مسائل مهم در واگذاری، تضمین‌های اخذشده از خریدار و بدهی‌ها به بانک‌های خارجی و داخلی آن است که با تضمین دولت بوده و ضمانتی جایگزین تضمینات دولت نکرده است؛ بنابراین دولت بدهی‌ها را از بیت‌المال پرداخت می‌کند. همچنین بانک‌های خارجی هم مطالباتی دارند و چون دولت ضامن بوده، موظف به پرداخت آن است. چندین بانک داخلی هم از این شرکت طلبکار هستند و در اخذ مطالبات‌شان به مشکل جدی برخوردند.

کا تحلیل شما از اتفاقاتی که رخ داد، چیست؟ اعتراض بود یا شورش یا جنبش؟ جنس این وقایع چه بود؟

از دو منظر می‌شود با این پدیده نوعی مواجهه نظری داشت. «لکان» به ما می‌گوید اسیر وسوسه تاویل و تحلیل نشوید. سعی نکنید پدیده را در آسترها و روکش‌های نظری ملفوف و پیچیده کنید که واقعیت آن کم شود. یعنی یک حاشیه فربه نظری پیدا کند که رنگین‌تر، جذاب‌تر و زیاتر از اصل جلوه کند. به‌طوری‌که اصل و واقعیت فراموش شود. ژیزک داستانی را در کتابش نقل می‌کند؛ می‌گوید چندی بود که از کارخانه‌ای، چیزی دزدیده می‌شد. مسئولان آن حساس شدند تا ببینند چه چیزی دزدیده می‌شود. به یک کارگر مشکوک می‌شوند و او را هروقت که با فرغون خود خارج می‌شود، تفتیش می‌کنند و چیزی پیدا نمی‌کنند. بعد از مدتی متوجه شدند آنچه دزدیده می‌شده است، همان فرغون بوده است!

این قدر به‌دنبال ژرفا، عمق و موارد دیگری بودند که واقعیت در برابر آنها رژه می‌رفته، اما آن را نمی‌دیدند. نظریات هم گاهی با ما این رفتار را دارند. من اسم آن را «تدلیس نظری» یا «تدلیس نظریه‌ها» می‌گذارم. تدلیس نظریه‌ها ما را دچار فریبی می‌کنند که واقعیت را کم می‌کنیم. بعضی وقت‌ها باید واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه را مشاهده کرد تا اینکه تحلیل کرد. گاهی این‌قدر واضح و مبرهن است و ابعاد آن با انسان صحبت می‌کند که نیاز نیست زبان نظریه‌ها را در دهان آن (واقعیت) گذاشت تا به سخن درآید. وقایع خود، سخنگوی خود هستند. صامت نیستند. پیام آنها در کنش آنهاست؛ بنابراین زبان آنها، زبان کنش است. با همین زبان فریاد می‌زنند، اما ما آنها را در چارچوب‌های نظری ملفوف می‌کنیم و به این ترتیب واقعیت کم می‌شود.

منظر دوم این است که ما برای اینکه یک پدیده اجتماعی و سیاسی را به‌ویژه که دارای پیچیدگی خاصی باشد، فهم کنیم؛ باید آن را از یک منظر نظری ببینیم. من در این رویکرد هم اشکالی نمی‌بینم، اما بی‌تردید، ورود به این وادی یعنی ورود به یک پلورالیزم و کثرت و تنوع بی‌پایان نظری. می‌توان به این پدیده از منظر جنبش‌های کلاسیک اجتماعی نگاه کرد و فقدان‌هایی را در آن جست‌وجو کرد. مثل فقدان رهبری، ایدئولوژی و سازماندهی و بعد هم فریاد برآورد که یافتیم؛ و البته در ادامه تحلیل

سیاست



عکس: ژرفا/ع رشتنی، شرق

واکاوی ناآرامی‌های اخیر در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک

اصلاح‌طلبان در «تایتانیک»

مرجان توحیدی

سر خیابان، حجله گذاشته‌اند. کمی جلوتر ساختمان شرکت ملی نفت‌کش است که بالاسر آن، تصویر ۳۰ دریانورد جان‌باخته در حادثه سانچي را نصب کرده‌اند و صدای قرآن تا نیمه‌های کوچه به گوش می‌رسد. برای دسته‌های گل سفید و پلاکاردهای عزا، دو طرف کوچه بیش‌ازپیش داغ این روزها را به رخ می‌کشد. برای مصاحبه با محمدرضا تاجیک وارد دفتر او در همین خیابان شدم تا درباره ماهیت اعتراضات اخیر و مواجهه اصلاح‌طلبان با شرایط جدید صحبت کنیم. تاجیک تلاش کرد در طول مصاحبه تأکید کند پیش از آنکه بخواهد نامی بر این اعتراض‌ها بگذارد و آنها را در ظرف نظری ببرد، بیشتر باید بگوید این پدیده، چه نیست. او از نفرت و عصبانیت متراکم و متفاوتی در جامعه سخن گفت که نتیجه‌اش چنین شد و در پاسخم به این سؤال که چرا الان چنین شد، گفت: در انقلابات رنگی که در بلوک شرق اتفاق افتاد، اصطلاحی داشتند: «حالا وقتشه». تاجیک به اصلاح‌طلبان توصیه کرد با به‌محاق رفتن این وقایع، اصلاح‌طلبان به تعطیلات تاریخی نروند. او گفت: «کار ما به صورت جدی از حالا شروع شده است. اگر در تعطیلات تاریخی هم بودیم، باید این تعطیلات را رها کنیم و برگردیم. بنشینیم و ببینیم چگونه می‌توانیم تدبیر و تمهید کنیم که این وقایع ققنوس‌وار از خاکستر خود برنخیزد». به گفته او: «فردای بعد از این وقایع در کشور ما، فردای دیگری است. بی‌تردید، تاریخ ما با این وقایع ورق می‌خورد».

که کثرت پیرامون مطالبه، وحدت ایجاد نمی‌کند، بلکه خود مطالبه هم کثیر است و فقط جایی که وحدت ایجاد می‌شود، «کنش» است؛ یعنی انسان‌ها با انگیزه‌ها و انگیزه‌های مختلف در یک جغرافیای زمانی و مکانی یک کنش را با هم انجام می‌دهند، اما مطالباتشان یکی است و فقط در کنش با هم وحدت دارند.

از طرفی می‌توان این پدیده را یک رخداد از نوع بدیوبی دانست که از هیچ‌کجا و همه‌کجا نازل شد و قابل پیش‌بینی نبود. حتی می‌توان این پدیده را در

کرد که چنین جنبش‌هایی به ثمر نمی‌رسند، چون فاقد رهبری، ایدئولوژی و... هستند. آنچه بعضی از نظریه‌پردازان این روزها گفته‌اند و به آن دل خوش می‌کنند. یک منظر هم این است که از دریچه جنبش‌های جدید اجتماعی به آن نگاه کرد که در آنها نوعی از تشکیلات ولنگار، فقدان ایدئولوژی مشخص، رهبری و ساماندهی مشخص را می‌توان جست‌وجو کرد.

می‌توان این پدیده را یک حرکت پوپولیستی، یا یک حرکت سپاپوپولیستی فرض کرد؛ یعنی خیزشی

فضای سوژه آلتوسری جست‌وجو کرد. براین‌اساس مفروض بگیریم که یک سوژه در انتر یک خطاب، متولد شده و در جامعه ما در حال ایفای نقش سوژگی خود است.

می‌توان از نظر مارکسیستی وارد ماجرا شد و یک سوژه جمعی یا کارگزار تاریخی را در یک مقطع خاص دنیای پسامدرن، فرض کرد و گفت یک جنبش پسامدرنی در حال رخ‌دادن است. همچنین می‌توان از دستگاه نظری هگلی وارد شد و فرض کنیم که حرکتی از سوی ارادل و اوپاش صورت گرفته که بعضی‌ها هم این روزها از این مفاهیم استفاده می‌کنند، مثل «آشغال» و مفاهیم سخیفی که اصلا در فضای تحلیلی نمی‌گنجد. می‌توان این را یک کنش بدون کنش دانست و به تعبیر گرامشی آن را «انقلاب بدون کنش» یا «انقلاب بدون انقلاب» نامید و از آن زاویه ماجرا را بررسی کرد. بعضی از نظریه‌پردازان هم این‌فضا را در

یک نوع «ادهورکاسی»، یعنی یک نوع بروکراسی بدون بوروکراسی، بوروکراسی که خلافت خود را از انسان‌ها و سازمان نمی‌گیرد و می‌تواند متنوع و متکثر از سازمان عمل کند، بررسی می‌کنند؛ بنابراین از زوایای گوناگون می‌توان آن را به صدا درآورد؛ اما باید توجه داشت وقتی وارد این وادی می‌شویم، در حقیقت وارد وادی پیچیده و پر از ابهامی می‌شویم که هراس این است که واقعیت را کم کنیم و آن را نبینیم. اما می‌توان از دریچه‌ای آن پدیده را به صدا درآورد و با آن ارتباط گرفت، اما ضرورتا و لزوما این‌طور نیست که آن‌گونه دستگاه نظری مورد نظر ما این پدیده را به صدا درآورده است، این صدا، همان صدای پدیده و واقعه باشد؛ اما این بحث یک موضوع جدی است که وقتی من برای نوشتن کتابی در این زمینه تلاشی را آغاز کردم، باور نداشتم که در گرداب چنین نظریاتی گرفتار شوم؛ بنابراین آنچه می‌توان گفت، این است که این پدیده چه نیست؟ این پدیده بی‌تردید یک جنبش مدنی معطوف به یک نوع حق نیست.

یک جنبش «کلاس‌بیس» یا طبقه‌بنیاد نیست؛ یعنی مبتنی بر طبقه خاص و ایدئولوژی خاص نیست. یوتوبیای خاصی ندارد، عمدتا سلیبی عمل می‌کند و بالاخره در روند خود، تولید معنا می‌کند و در این روند برای خود رهبری ایجاد می‌کند، نه در آغاز. این پدیده می‌تواند موجی عمل کند، گاهی سر به تو داشته و گاهی توفنده عمل کند.

ادامه در صفحه ۱۵



الو شرق ۰۲۶۰۴۸۶۴۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۰۴۶۹۹۰۳۰۰

● مهم‌ترین قسمت آب و فاضلاب، مخازن آب است که کارکنان این قسمت مهم از کمترین امکانات برخوردارند. مثلاً کار ۲۴-۲۴ که اصلا در هیچ جای جهان وجود ندارد و وزارت کار نیز پیگیر این موضوع نمی‌شود؛ زیرا اگر کار این کارکنان ۲۴-۴۸ شود، کلی جوان مشغول به کار می‌شوند. از طرفی بن‌کارت ۱۸۰ هزارتومانی آنها قطع شده؛ ولی کارمندان همچنان علاوه بر حقوق، بن‌کارت یک‌میلیون و ۲۰۰ هزارتومانی بلکه بالاتر دریافت می‌کنند. واقعا در شرکت تأمین و تصفیه سازمان آب چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ چرا باید این‌همه ناعاداتی و ناحقی در حق این کارگرانی که لیسانس و فوق‌لیسانس هستند اتفاق بیفتد. چرا به درد این‌ کارگران با حقوق کم رسیدگی نمی‌شود؟ از وزیر نیرو درخواست دارم به این ثبات مدیریتی بی‌کیفیت در این سازمان پایان دهد.

● **خرید اینترنتی به نفع یا ضرر مردم:** کمبود وقت و ترافیک سنگین خیابان‌ها باعث شده عده‌ای با راه‌اندازی فروشگاه‌های اینترنتی و تبلیغ‌های گسترده از طریق شبکه‌های مجازی مشتریان اجناس مورد نیازشان را اینترنتی سفارش دهند. روزهای گذشته بافت سفارش دادم، وجه آن را هم پرداخت کردم، وقتی بافت را تحویل دادم، با آن چیزی که تصویرش را دیدم، زمین تا آسمان تفاوت داشت. این‌ نوع فروش اجناس، نوعی کلاهبرداری و فریب‌دادن مشتریان است. لطفا این پیام را چاپ کنید تا مردم به جای خرید اینترنتی، حضوری مراجعه و خرید کنند.

● **حقوق‌ها را عادلانه افزایش دهند:** هر سال برای افزایش حقوق کارگران جلسه می‌گذارند، آخرسر هم شندرغاز حقوق‌ها را افزایش می‌دهند و از طرفی هم گرانی بیداد می‌کند. امیدواریم افرادی که درباره این موضوع تصمیم‌گیری می‌کنند، حقوق‌ها را عادلانه افزایش دهند و کارگران را دریابند؛ به‌عنوان نمونه پدرم با اینکه در مطبوعات شاغل است، چون حقوقش طبق قانون وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تعیین می‌شود، پایه حقوقی آنها پایین است و هر بار درخواستی از او داریم، با پاسخ «ندارم» مواجه می‌شویم.

عرفان از تهران



لونجین

LONGINES®



The Longines Master Collection

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN
Tel.: +98 21 226.137.52